

نقش آرزوها، نیازهای روان شناختی بنیادین، خودشناسی انسجامی، شفقت خود در پیش بینی اضطراب مرگ

زهرا فروغی*^۱، شینا زینعلی^۲، بهمن اکبری^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران. (نویسنده مسئول)
۲. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران.
۳. دانشیار گروه روانشناسی، عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران.

مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، دوره دوم، شماره سیزدهم، آبان ماه ۱۳۹۶، صفحات ۳۱-۴۸

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش آرزوها، نیازهای روان شناختی بنیادین، خودشناسی انسجامی، شفقت خود در پیش بینی اضطراب مرگ انجام شده است. روش این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه این پژوهش کلیه دانشجویان روان شناسی مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ بودند که از میان آنها تعداد ۱۶۰ نفر (۱۱۶ زن، ۳۳ مرد و ۸ نفر نامشخص) با میانگین سنی ۲۴/۱۷ و انحراف استاندارد ۶/۴۱ به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند؛ و به پرسشنامه های مقیاس نیازهای بنیادین روان شناختی (لاگاردیا، رایان، کوچمن و دسی، ۲۰۰۰)، نمایه آرزو (گروزت، کسر، آهویا، دالز، کیم و همکاران، ۲۰۰۵)، مقیاس خودشناسی انسجامی (قربانی، واتسن و هارگیس، ۲۰۰۸)، مقیاس شفقت خود-فرم کوتاه، مقیاس اضطراب مرگ تمپلر پاسخ داده شد. نتایج نشان داد که اضطراب مرگ با اهمیت و احتمال دستیابی به آرزوهای بیرونی (شهرت، همنوایی، زیبایی، ثروت) و خود جسمانی (لذت گرایی، حفظ سلامتی و رهایی از بیماری و امنیت)، نیاز به شایستگی همبستگی مثبت و با شفقت خود همبستگی منفی دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیر اهمیت آرزوهای خود جسمانی ۱۳ درصد از واریانس نمره های اضطراب مرگ را به طور معناداری تبیین کردند.

کلید واژه ها: آرزوها، نیازهای روان شناختی بنیادین، خودشناسی انسجامی، شفقت خود، اضطراب مرگ.

مقدمه

مطابق با فرا نظریه دیالکتیکی-ارگانیزمی خودمختاری^۱، انسان‌ها با نیازهای روان‌شناختی ذاتی و بنیادی سه‌گانه‌ای از قبیل، ارتباط^۲ (داشتن روابط صمیمانه و متعهدانه با دیگران)، خود پیروی^۳ (انجام رفتارها به خواست و اراده خود) و شایستگی^۴ (احساس سودمندی و اثربخشی در مواجهه با چالش‌های زندگی) متولد می‌شوند که حمایت نامشروط محیط از ارضاء آن‌ها به بهزیستی^۵ و سلامت روانی^۶ افراد منجر شده و در مقابل، ممانعت یا ارضاء مشروط این سه نیاز، از رشد و انسجام^۷ شخصیت افراد جلوگیری خواهد کرد (دسی و رایان، ۱۹۸۵، ۱۹۹۱، ۲۰۰۰). به عبارت دیگر، زمانی که افراد برای به دست آوردن محبت و صمیمیت دیگران یا احساس سودمندی و شایستگی (همان ارضاء نیاز به ارتباط و شایستگی) مجبور باشند تا ارزش‌ها و انتظارات محیط بیرونی (والدین، دوستان، گروه‌ها و غیره) را تحقق بخشند (انگیزش بیرونی^۸)، به این دلیل که رفتارشان با زیر پا نهادن نیاز به خود پیروی همراه است و آن‌چنان‌که در نظریه خودمختاری بیان شده و در مطالعات صورت گرفته در این نظریه نیز تأیید شده است تا هر سه نیاز روانی ارضاء نشوند بهزیستی روانی تحقق نمی‌یابد، فشار روانی^۹، خودمانع‌سازی^{۱۰}، به کارگیری مکانیسم‌های دفاعی به هنگام شکست در تحقق خواسته‌ها و ارزش‌های محیطی و به طور کل، سلامت روانی کمتری را تجربه خواهند کرد (دسی و رایان^{۱۱}، ۲۰۰۰؛ کراکر و ولف^{۱۲}، ۲۰۱۷). برای مثال، کودکی که برای به دست آوردن محبت، مهربانی و تحسین والدینش (همان ارضاء نیاز به ارتباط و شایستگی) می‌بایست حتماً نمره خوبی در مدرسه به دست آورد (ارزش و تقاضای بیرونی)، احتمالاً به جای مطالعه خودپیروانه و با اراده و خواست درونی‌اش، بواسطه کسب مهربانی والدین و اجتناب از تنبیه احتمالی آنها (انگیزش بیرونی) عمل خواهد کرد.

¹ Dialectical-Organismic Self-Determination Metatheory (SDT)

² Relatedness

³ Autonomy

⁴ Competence

⁵ Well-being

⁶ Mental health

⁷ Integration

⁸ extrinsic motivation، انجام رفتارها به‌واسطه کسب پاداش‌ها و اجتناب از تنبیهات بیرونی (دسی و رایان، ۲۰۰۰).

⁹ Stress

¹⁰ self-handicapping، انجام رفتارهایی که احتمال موفقیت در یک تکلیف دشوار را کاهش می‌دهند اما یک توجیه یا بهانه باور کردنی را برای شکست احتمالی و این‌که عدم توانایی فرد باعث آن نشده فراهم می‌کنند. مانند، مطالعه کردن در محیطی شلوغ قبل از شرکت در یک آزمون دشوار.

¹¹ Deci & Ryan

¹² Crocker & Wolf

از طرف دیگر، این ارزش‌ها و تقاضاهای بیرونی با تأکید مداوم محیط، به ویژه افراد یا گروه‌های مهم برای فرد، به تدریج و با گذشت زمان به طور ناقص و جزیی درونی‌سازی^۱ می‌شوند (انگیزش درون‌فکنی شده^۲) و از این پس انجام دادن این ارزش‌های بیرونی نه تنها مهربانی‌ها و تحسین‌های بیرونی را به همراه خواهد داشت، بلکه تحسین درونی فرد به خود را نیز موجب خواهد شد و به طور عکس، انجام ندادن آن‌ها یا حتی شکست خوردن در تحقق آن‌ها، بی‌حرمتی و بی‌ارزش‌سازی فرد توسط خود و دیگران را به دنبال خواهد داشت (رایان، ۱۹۹۵؛ دسی و رایان، ۱۹۸۵، ۱۹۹۱، ۲۰۰۰؛ رایان و دسی، ۲۰۰۰). برای مثال، به مرور زمان کسب نمرات خوب و برتر بودن به لحاظ تحصیلی به صورت ارزشی درونی برای آن کودک تبدیل شده و از این به بعد در صورت عدم کسب نمرات خوب و شکست‌های تحصیلی، خودش نیز به سرزنش و بی‌ارزش‌سازی خود خواهد پرداخت.

حال با توجه به موارد مذکور، آرزوهای شخصی افراد که در نظریه خودمختاری به دو دسته ذاتی^۳ و بیرونی^۴ تقسیم‌بندی شده‌اند (کسر^۵ و رایان، ۲۰۱۶) نیز پی‌گیری اهداف به دلایل یا انگیزش‌های خودپیرو (انگیزش‌های ذاتی^۶، همسان‌سازی شده^۷، انسجام یافته^۸) و غیرخودپیرو (انگیزش‌های بیرونی و درون‌فکنی شده) را توصیف می‌کنند. آرزوهای ذاتی (رشد شخصی^۹، ارتباط یا پیوندجویی^{۱۰}، همکاری اجتماعی^{۱۱})، اغلب رفتارها و اهدافی را در بر می‌گیرند که به دلیل حمایت محیط از ارضاء نامشروط نیازهای بنیادین، به واسطه ارضاء نیازهای روانی برای شایسته بودن، ارتباط صمیمی با دیگران داشتن و انجام رفتارهای مورد علاقه و تأیید خود،

¹ Internalization

² Introjected motivation

³ Intrinsic aspirations

⁴ Extrinsic aspirations

⁵ Kasser

⁶ Intrinsic motivation، انجام رفتار بنابر لذت و چالش موجود در خود رفتار (دسی و رایان، ۲۰۰۰).

⁷ Identification regulation، در این نوع از انگیزش، ارزش‌های مربوط به رفتار شناسایی می‌شود و فرد آن‌ها را به‌عنوان جزئی از خود پذیرفته و

درونی‌سازی می‌کند. در واقع، فرد با تعقل و درک ارزش‌ها و مطلوبیت‌های موجود در یک رفتار و نه به دلیل اجبارها و فشارهای بیرونی یا درونی آن‌ها را انتخاب کرده و انجام می‌دهد (دسی و رایان، ۲۰۰۰).

⁸ Integration regulation، فرد علاوه بر شناسایی مطلوبیت‌ها و ارزش‌های موجود در رفتارها، آن‌ها را با ابعاد مختلف «خود» یکپارچه می‌کند (دسی و رایان، ۲۰۰۰).

⁹ Personal growth

¹⁰ Affiliation

¹¹ Community contribution

ارزش‌گذاری و پی‌گیری می‌شوند. در مقابل، آرزوهای بیرونی (ثروت^۱، شهرت^۲ و زیبایی^۳) اغلب رفتارها و اهدافی را شامل می‌شوند که بنابر اجبار و فشارهای بیرونی و درونی دنبال می‌شوند (کسر، ۲۰۱۷). مطالعات صورت گرفته در این زمینه نشان داده‌اند که انجام رفتارها به دلایل و انگیزش‌های بیرونی و درون‌فکنی شده با به کارگیری مکانیسم‌های دفاعی‌ای از قبیل، تحقیر افراد تهدیدکننده حرمت خود و مقصر دانستن دیگران به هنگام شکست، نفس درآمیختگی^۴ و از این‌رو انتقاد خود به هنگام شکست و داشتن روابط ابزاری با دیگران و حرمت خود پایین‌تر در مواجهه با ناکامی‌ها ارتباط دارند (مک‌هاوسکی^۵، ۲۰۱۵؛ کراکر و نوئر^۶، ۲۰۱۴؛ کراکر و پارک^۷، ۲۰۱۴؛ نیا^۸، به نقل از بروک^۹ و کراکر، ۲۰۱۷). در واقع این پیامدهای منفی مطرح شده، چیزی جز شفقت خود^{۱۰} (نف^{۱۱}، ۲۰۰۳ الف، ب) و خودشناسی انسجامی^{۱۲} کمتر (قربانی، واتسون^{۱۳} و هارگیس^{۱۴}، ۲۰۰۸) و اغلب میزان پایین حرمت خود (کسر، ۲۰۱۷) را موجب نمی‌شوند. از این‌رو، مطابق با نظریه مدیریت وحشت، ایمان به یک جهان‌بینی (ملی، مذهبی و مادی) و حرمت خود برآمده از آن به عنوان سپری در برابر اضطراب ناشی از آگاهی از مرگ، در جهت کاهش ترس از مرگ در انسان‌ها و فراهم کردن فرصتی برای پی‌گیری اهداف شخصی در زندگی عمل می‌کنند (هارمن-جونز، سیمن، گرینبرگ، پیژینسکی، سولومون و مک‌گرگور^{۱۵}، ۲۰۱۷؛ پیژینسکی، گرینبرگ و سولومون، ۱۹۹۹؛ کسر و شلدون^{۱۶}، ۲۰۱۷). با توجه به مطالب فوق و مطابق با دو نظریه

¹ Wealth

² Fame

³ Image

^۴ ego-involvement، بر اساس نظریه خودمختاری، تأکید مکرر محیط بر ارزش‌ها و انتظاراتی خاص و ارضاء نیازهای بنیادین فرد منوط به رعایت کردن این ارزش‌ها، به‌مرورزمان به درون فرد فکنده می‌شوند (به‌طور ناقصی درونی‌سازی می‌شوند) و از این پس، اعتبار و حرمت «خود» فرد (حرمت خود) و با ارزیابی و نگرشی که فرد نسبت به خود دارد، در گرو انجام دادن یا انجام ندادن و موفق بودن یا شکست خوردن در انجام این ارزش‌ها و انتظارات بیرونی قرار می‌گیرد. یا به عبارت دیگر، «خود یا من» فرد در انجام دادن یا ندادن و موفق بودن یا شکست خوردن در انجام این ارزش‌ها و انتظارات بیرونی، درگیر یا درآمیخته می‌شود (دسی و رایان، ۲۰۰۰، رایان و دسی، ۲۰۰۰).

⁵ McHoskey

⁶ Nuer

⁷ Park

⁸ Niiya

⁹ Brook

¹⁰ Self-compassion

¹¹ Neff

¹² Integrative self-knowledge

¹³ Watson

¹⁴ Hargis

¹⁵ Harmon-Jones, Simon, Greenberg, Pyszczynski, Solomon & Mcgregor

¹⁶ Sheldon

خودمختاری و نظریه مدیریت وحشت که در واقع دیدگاه‌های مدرن نظریات کلاسیک انسان‌گرا و هستی‌گرا هستند (کسر، ۲۰۱۷؛ دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ گرینبرگ و همکاران، ۲۰۱۶) شناخت نایمنی‌ها و دغدغه‌های ناهوشیار ذهن انسان که زیربنای پنهان اعمال وی را سازمان می‌دهند، شناخت نیازهای ذاتی جسمانی و روانی انسان که اغلب رفتارها و کنش‌های وی در جهت ارضاء آن‌هاست، شناخت روابط موجود میان این نایمنی‌ها، نیازها و سایر متغیرهای شخصیتی از قبیل اهداف و آرزوهای شخصی، چگونگی نگرش-شان نسبت به خود (حرمت خود)، میزان شفقت‌شان نسبت به خود به هنگام مواجهه با محدودیت‌ها (همچون محدودیت مرگ و فناپذیری)، نقص‌ها و شکست‌ها و در کل میزان خودشناسی تجربه‌ای^۱ و تأملی‌شان^۲ می‌تواند زمینه طرح‌ریزی راهبردهایی در جهت افزایش و بهبود سلامت روانی فردی و اجتماعی را فراهم کرده و از این‌رو حائز اهمیت است. پژوهش حاضر سعی دارد تا رابطه بین ارضاء سه نیاز روان‌شناختی بنیادین، ارزش‌گذاری آرزوهای ذاتی-بیرونی و تعالی خود-خود جسمانی، خودشناسی انسجامی، شفقت خود افراد را با میزان اضطراب مرگ خود گزارش‌شده‌شان مورد بررسی قرار داده و هم‌چنین بررسی کند که از میان این متغیرها کدام یک توان بالاتری در پیش‌بینی اضطراب مرگ دارند.

روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه این پژوهش کلیه دانشجویان روان‌شناسی مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ بودند که از میان آنها تعداد ۱۶۰ نفر (۱۱۶ زن، ۳۳ مرد و ۸ نفر نامشخص) با میانگین سنی ۲۴/۱۷ و انحراف استاندارد ۶/۴۱ به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

مقیاس نیازهای بنیادین روان‌شناختی^۳ (BPNQ؛ لاگاردیا، رایان، کوچمن و دسی، ۲۰۰۰): این مقیاس شامل ۲۱ ماده است که بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (۱= اصلاً درست نیست، ۷= بسیار درست است) درجه‌بندی شده است. در مطالعه لاگاردیا و همکاران (۲۰۰۰) همسانی درونی حاصل از اجرای آن روی پدر، مادر، دوستان و شریک رومانیتیک به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۹۱، ۰/۹۱ و ۰/۹۱ گزارش شد. روایی این مقیاس در پژوهش‌های انجام شده مطلوب نشان داده شده است (لاگاردیا و همکاران، ۲۰۰۰، میلیواسکایا، مجو، جینگراس، کوئستنر، گنگان و همکاران، ۲۰۰۹). هم‌چنین، همسانی درونی این مقیاس بر روی نمونه‌های مدیران و دانشجویان

¹ Experiential

² Reflective

³ Basic Psychological Needs Questioner (BPNQ)

⁴ Milyavskaya, Gingras, Mageau, Koestner, Gagnon, Fang & et al.

ایرانی بین ۰/۷۶ تا ۰/۷۹ در نوسان بوده است (قربانی و واتسون^۱، ۲۰۰۴). در این پژوهش نیز همسانی درونی سه خرده‌مقیاس خودپیروی، ارتباط و شایستگی و نمره کل مقیاس به ترتیب ۰/۵۵، ۰/۶۱، ۰/۴۶ و ۰/۸۱ به دست آمد.

نمایه آرزو^۲ (AI؛ گروزت، کسر، آهویا، دالز، کیم و همکاران، ۲۰۰۵): نمایه آرزو (۱۹۹۶) دارای ۱۰۵ ماده بوده و توسط کسر و رایان (۱۹۹۶) ساخته شده است. این نمایه شامل دو عامل سطح دوم (آرزوهای ذاتی و بیرونی) است که عامل آرزوهای ذاتی، شامل ۴ عامل مرتبه اول (رشد شخصی، ارتباط صمیمانه و متعهدانه با دیگران داشتن، تعاون و همکاری اجتماعی و حفظ سلامتی بدن) و عامل آرزوهای بیرونی، شامل ۳ عامل مرتبه اول (ثروت، شهرت و زیبایی) است. پاسخ‌دهندگان می‌بایست در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (۱= اصلاً، ۷= زیاد) به سوالاتی در ارتباط با این ۷ آرزو پاسخ دهند. کسر و رایان (۱۹۹۶) در دو مطالعه همسانی درونی اهمیت و احتمال دستیابی به آرزوهای ذاتی و بیرونی را ۰/۵۹ و ۰/۸۷ و ۰/۶۸ و ۰/۸۶ به دست آوردند. علاوه بر این، روایی و پایایی این نمایه در پژوهش‌های دیگر نیز مطلوب گزارش شده است (انتومانی، انتومانیز و نیکیتارس^۳، ۲۰۱۰؛ هندرسن-کینگ و میچل، ۲۰۱۱).

در مطالعه سبزه‌آرای لنگرودی، فرگوسن، سرافراز و محمدی (۲۰۱۴) علاوه بر بررسی ساختار عاملی و روایی همگرا و واگرایی نمایه در فرهنگ ایرانی، همسانی درونی اهمیت، احتمال دستیابی و میزان دست‌یابی به آرزوهای ذاتی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۷ و ۰/۸۸ و اهمیت، احتمال دستیابی و میزان دست‌یابی به آرزوهای بیرونی به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۴ و ۰/۸۴ گزارش شد. گروزت و همکاران (۲۰۰۵) با اهدافی چون تعمیم دهی بیشتر آرزوهای ذاتی و بیرونی در فرهنگ‌هایی با خصوصیات اجتماعی و اقتصادی متفاوت، شناسایی تمایزات بیشتر میان اهداف ذاتی و بیرونی و شناسایی اهداف و ابعادی برای آرزو و بعد ذاتی و بیرونی ارائه شده در نمایه آرزو (۱۹۹۶)، با مطالعه بر ۱۸۵۴ دانشجوی از ۱۵ فرهنگ متفاوت، ۷ آرزوی قبلی را که در دو بعد ذاتی و بیرونی قرار داشتند به انضمام ۴ هدف جدید مورد بررسی قرار دادند. در نمایه آرزو (۲۰۰۵) که شامل ۴۷ ماده است، پاسخ‌دهنده با ۱۱ آرزو در دو بعد دو قطبی، ذاتی-بیرونی و تعالی خود-خود جسمانی^۴ مواجه می‌شود و می‌بایست میزان اهمیت هر هدف را بر مقیاسی ۹ درجه‌ای (۱= اصلاً، ۹= بشدت) ارزیابی کند. ۸ آرزو از مطالعات قبلی اقتباس شده است (۷ آرزو از کسر و رایان، ۱۹۹۶ و آرزوی معنویت^۵ از کسر، ۱۹۹۶) و حیطه‌های موفقیت مالی (۴ ماده)، زیبایی (۵ ماده)، شهرت (۴ ماده)، خودپذیری (۸ ماده)، پیوندجویی (۶ ماده)، احساس اجتماعی (۴ ماده)، سلامتی جسمانی (۵ ماده) و معنویت (۶ ماده) را اندازه‌گیری می‌کند؛ اما ۳ هدف جدید نیز ایجاد شده است که

¹ Watson

² Aspiration Index (AI)

³ Ntoumani, Ntoumanis & Nikitaras,

⁴ self-transcendent- physical self

⁵ Spirituality

شامل همنوایی^۱ (۵ ماده)، امنیت^۲ (۵ ماده) و لذت جویی^۳ (۵ ماده) می‌شوند. در مطالعه گروزت و همکاران (۲۰۰۵) علاوه بر تأیید همسانی درونی عامل‌ها، با استخراج ۴۷ ماده نشان داده شد که ۷ آرزوی قبلی باز هم در دو بعد ذاتی و بیرونی قرار می‌گیرند اگرچه آرزوی همکاری اجتماعی علاوه بر قرار گرفتن در بعد ذاتی، گرایشی را به بعد تعالی خود نشان داد. در حالیکه دو آرزوی سلامتی و موفقیت مالی علاوه بر قرارگیری در بعد ذاتی و بیرونی گرایشی را به بعد خود جسمانی نشان دادند. در میان ۴ آرزوی جدید نیز آرزوی معنویت در بعد تعالی خود و آرزوی لذت جویی در بعد خود جسمانی قرار گرفتند، آرزوی امنیت نیز گرایشی را به ابعاد ذاتی و خود جسمانی نشان داد و آرزوی همنوایی نیز گرایشی را به ابعاد بیرونی و تعالی خود نشان داد. در این پژوهش همسانی درونی اهمیت و احتمال دستیابی به آرزوهای بیرونی ۰/۸۷ و ۰/۸۸، اهمیت و احتمال دستیابی به آرزوهای ذاتی ۰/۹۰ و ۰/۹۰، اهمیت و احتمال دستیابی به آرزوهای خود جسمانی ۰/۸۴ و ۰/۸۳ و اهمیت و احتمال دستیابی به آرزوهای تعالی خود ۰/۹۲ و ۰/۹۱ به دست آمد.

مقیاس خودشناسی انسجامی^۴ (ISK؛ قربانی، واتسن و هارگیس، ۲۰۰۸): مقیاس خودشناسی انسجامی شامل ۱۲ ماده است که پاسخ‌دهندگان می‌بایست در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (الف = عمدتاً نادرست، ب = عمدتاً درست) به آن پاسخ دهند. عبارات ۳، ۶ و ۹ خودشناسی تأملی، عبارات ۱، ۵، ۷ و ۸ خودشناسی تجربی و باقی عبارات (۴، ۲، ۱۰، ۱۱، ۱۲) نیز یکپارچه کردن تجارب گذشته، حال و آینده در سازش و ارتقاء خود (خودشناسی انسجامی) را می‌سنجند. قربانی و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه خود بر روی سه نمونه ایرانی و سه نمونه آمریکایی، آلفای کرونباخ مقیاس را به ترتیب در نمونه اول ایرانی ۰/۸۲، نمونه دوم ایرانی ۰/۸۱ و نمونه سوم ایرانی ۰/۸۱ و به ترتیب در نمونه اول آمریکایی ۰/۷۸، نمونه دوم آمریکایی ۰/۷۸ و نمونه سوم آمریکایی ۰/۷۴ گزارش دادند. اعتبار همگرا، ملاک، افتراقی و افزایشی مقیاس نیز در این مطالعه مورد تأیید قرار گرفت. در مطالعه قربانی، کانینگهم^۵ و واتسن (۲۰۱۰) نیز آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۷۹ گزارش شده است. در این پژوهش همسانی درونی مقیاس ۰/۷۹ به دست آمد.

مقیاس شفقت خود-فرم کوتاه^۶ (SCS-SF؛ ریس، پامیر، نف و ون‌گاجت، ۲۰۱۱): مقیاس ۱۲ ماده‌ای شفقت خود-فرم کوتاه شامل ۳ عامل دو وجهی مهربانی با خود^{۴۴} در مقابل قضاوت در مورد خود^{۴۵}، احساس مشترکات انسانی^{۴۶} در مقابل انزوا^{۴۷} و بهوشیاری

1 Conformity

2 Safety

3 Hedonism

4 Integrative Self-Knowledge Scale (ISK)

5 Cunningham

6 Self-Compassion Scale-Short Form

در مقابل فزون همانندسازی^{۴۸} است. پاسخ‌دهندگان می‌بایست در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (۱ = تقریباً هرگز، ۵ = تقریباً همیشه) به عبارات مقیاس پاسخ دهند. اعتبار این مقیاس توسط ریس و همکاران (۲۰۱۱) مورد تأیید قرار گرفته است (آلفا = ۰/۸۶). در مطالعه قربانی، واتسن، ژو و نوربالا (۲۰۱۲) همسانی درونی مقیاس ۰/۸۴ گزارش شد. در این پژوهش همسانی درونی مقیاس ۰/۷۴ به دست آمد.

مقیاس اضطراب مرگ تمپلر^۱ (TDAS): مقیاس اضطراب مرگ تمپلر دارای ۱۵ ماده بوده و پرکاربردترین مقیاس برای سنجش اضطراب مرگ است. شرکت‌کنندگان پاسخ خود را به هر ماده در یک پیوستار ۵ درجه‌ای (۱ = کاملاً غلط، ۵ = کاملاً درست) رتبه‌بندی میکنند. نمره‌های این مقیاس بین ۱۵ تا ۷۵ متغیرند که نمره بالاتر بیانگر اضطراب مرگ شدیدتر است. تمپلر (۱۹۹۰) ضریب بازآزمایی این مقیاس را ۰/۸۳ به دست آورده است. کوئتی، وینر و پلاچیک^۲ (۱۹۸۲) پایایی دو نیمه‌سازی مقیاس را ۰/۷۶ و همبستگی هر سؤال با نمره کل را از ۰/۳۰ تا ۰/۷۴ و با میانگین ۰/۴۴ برای گروه دانشجویان گزارش کردند. در مطالعه محمدی، نوری مقدم، شهسوارانی و سبزه‌آرای لنگرودی (۱۳۹۲) همسانی درونی مقیاس ۰/۷۸ و پایایی دو نیمه‌سازی آن ۰/۷۳ به دست آمد. در این پژوهش همسانی درونی مقیاس ۰/۵۷ به دست آمد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

انحراف استاندارد	میانگین	
۱/۲۴	۶/۲۱	اهمیت آرزوهای بیرونی
۱/۱۸	۶/۵۱	احتمال دستیابی به آرزوهای بیرونی
۱/۱۰	۷/۶۰	اهمیت آرزوهای ذاتی
۱/۱۲	۷/۵۰	احتمال دستیابی به آرزوهای ذاتی
۱/۲۰	۷/۰۹	اهمیت آرزوهای خود جسمانی
۱/۱۳	۷/۰۱	احتمال دستیابی به آرزوهای خود جسمانی

¹ Templer Death Anxiety Scale (TDAS)

² Conte, Weiner & Plutchik

۶/۴۰	۲	اهمیت آرزوهای تعالی خود
۶/۳۲	۱/۹۹	احتمال دستیابی به آرزوهای تعالی خود
۴/۳۹	۰/۸۷	نیاز به خودپیروی
۴/۸۲	۰/۸۶	نیاز به ارتباط
۴/۴۸	۰/۸۳	نیاز به شایستگی
۳/۱۸	۰/۶۳	خودشناسی انسجامی
۳/۰۹	۰/۵۶	شفقت خود
۲/۵۲	۰/۳۶	اضطراب مرگ

جهت بررسی متغیرهای پژوهش از تحلیل همبستگی پیرسون استفاده شد. همبستگی بین اهمیت و احتمال دستیابی به آرزوهای ذاتی-بیرونی و خود جسمانی-تعالی خود، شفقت خود، خودشناسی انسجامی با اضطراب مرگ در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود اضطراب مرگ با اهمیت و احتمال دستیابی به آرزوهای بیرونی (شهرت، همنوایی، زیبایی، ثروت) و خود جسمانی (لذت‌گرایی، حفظ سلامتی و رهایی از بیماری و امنیت)، نیاز به شایستگی همبستگی مثبت و با شفقت خود همبستگی منفی دارد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
														۱- اهمیت آرزوهای بیرونی
												۱	۰/۶۶**	۲- احتمال دستیابی به آرزوهای بیرونی
												۱	۰/۳۹**	۳- اهمیت آرزوهای ذاتی
											۱	۰/۵۸**	۰/۵۶**	۴- احتمال دستیابی به آرزوهای ذاتی
											۱	۰/۳۷**	۰/۶۶**	۵- اهمیت آرزوهای نمود جسمانی
											۱	۰/۵۳**	۰/۶۹**	۶- احتمال دستیابی به آرزوهای نمود جسمانی
											۱	۰/۲۰*	۰/۳۱**	۷- اهمیت آرزوهای نمایی نمود
											۱	۰/۹۰**	۰/۳۴**	۸- احتمال دستیابی به آرزوهای نمایی نمود
											۱	۰/۱۷	۰/۱۲	۹- نیاز به خودپیروی
											۱	۰/۶۸**	۰/۱۳	۱۰- نیاز به ارتباط
											۱	۰/۶۳**	۰/۵۹**	۱۱- نیاز به شایستگی
											۱	۰/۴۱**	۰/۲۹**	۱۲- خودشناسی انسجامی
											۱	۰/۰۲	۰/۱۷*	۱۳- شفقت خود
											۱	۰/۲۱*	۰/۰۵	۱۴- اضطراب مرگ

*P < ۰/۰۵ ** P < ۰/۰۱

از تحلیل رگرسیون گام به گام جهت پاسخگویی به این مساله که «از بین مولفه‌های ارضاء نیازهای روان‌شناختی بنیادین، آرزوهای شخصی، خودشناسی انسجامی، شفقت خود و حرمت خود کدام یک توان بالاتری در پیش‌بینی اضطراب مرگ دارند؟» استفاده شد. جدول شماره ۳ نتایج خلاصه مدل و تحلیل واریانس تحلیل رگرسیون را نشان می‌دهد. شاخص F معنادار و رابطه خطی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. متغیر اهمیت آرزوهای خود جسمانی ۱۳ درصد از واریانس نمره‌های اضطراب مرگ را به طور معناداری تبیین کردند.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون گام به گام و تحلیل واریانس اهمیت آرزوهای خودجسمانی با اضطراب مرگ

R ² change	Adjusted R ²	R ²	R	سطح معناداری	F	MS	Df	SS	مدل
-----------------------	-------------------------	----------------	---	--------------	---	----	----	----	-----

۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۱۱	۰/۳۳	۰/۰۰۰۱	۱۴/۹۶	۱/۹۰	۱	۱/۹۰	اهمیت آرزوهای خود جسمانی
						۰/۱۲	۱۱۵	۱۴/۶۴	باقی مانده

ضرایب بتا و همبستگی مرتبه صفر و تفکیکی در جدول شماره ۴ ارائه شده‌اند. تنها متغیر اهمیت آرزوهای خود جسمانی ($0/33 = \beta$) ضرایب بتای معناداری را نشان می‌دهند و ضریب همبستگی تفکیکی آن‌ها با اضطراب مرگ در گام دوم به ترتیب $0/19$ و $0/29$ است که نشان می‌دهد بخش مهمی از واریانس اضطراب مرگ بواسطه آن‌ها تبیین می‌شود.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون اهمیت آرزوهای خودجسمانی بر اضطراب مرگ

همبستگی		ضرایب استاندارد			متغیر
تفکیکی	مرتبه صفر	سطح معناداری	T	β	
		۰/۰۰۰۱	۹/۲۷		مقدار ثابت
۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۰۰۰۱	۳/۸۶	۰/۳۳	اهمیت آرزوهای خودجسمانی

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف مروری بر برخی نظریات دیدگاه‌های انسان‌گرا و وجودی به بررسی نقش آرزوها، نیازهای روان‌شناختی ذاتی، شفقت خود، خودشناسی انسجامی در پیش‌بینی اضطراب مرگ پرداخت. مطابق با فرضیات ارائه شده در دیدگاه‌های وجودی و انسان‌گرا، یافته‌های به دست آمده نشان داد که اضطراب مرگ با اهمیت و احتمال دستیابی به آرزوهای بیرونی (شهرت، همنوایی، ثروت، زیبایی) و خود جسمانی (لذت‌گرایی، امنیت و سلامتی)، نیاز به شایستگی و حرمت خود همبستگی مثبت و با شفقت خود همبستگی منفی دارد. بعلاوه، تنها دو متغیر اهمیت آرزوهای خود جسمانی به طور معناداری واریانس موجود در نمره‌های اضطراب مرگ را تبیین کردند.

چه نظریات انسان‌گرا و وجودی کلاسیک با افرادی چون راجرز، مزلو، می، فروم، یالوم و ... و چه نظریات جدیدتر انسان‌گرا و وجودی همچون نظریات خودمختاری و نظریه مدیریت وحشت با افرادی همچون دسی، رایان، کسر، سولومون، گرینبرگ، پیزینسکی و ... همواره مطرح نموده‌اند که ماتریالیسم و هِدونیسم با پی‌گیری آرزوهای ناسالم (کسب رویای آمریکایی شهرت، ثروت، زیبایی و لذت‌گرایی جنسی و جسمانی) مسیرهایی در برخورد با دغدغه‌های وجودی هستند که سعی دارند بواسطه افزایش حس آسیب-ناپذیری و وجود حمایت‌کننده‌ای غایی، ترس ناشی از فناپذیری، تنهایی و انزوا، پوچی و نداشتن معنا و آزادی و بر عهده گرفتن مسئولیت فردی را در افراد کاهش دهند (یالوم، ۱۹۹۳؛ فروم، ۱۳۹۳؛ می، ۱۳۹۳؛ راجرز، ۱۳۸۶؛ کسر، ۲۰۱۷).

اما در نهایت، نه تنها پاسخی برای این دغدغه‌های وجودی حاصل نمی‌کنند بلکه اضطراب‌ها، دفاع‌های ثانوی و اختلالات روانی همچون افزایش حرمت خود وابسته و شکننده که بخصوص در رفتارهای خودشیفته‌وار و اختلال شخصیت خودشیفته با نیاز افراطی و مداوم به توجه و تحسین جلوه می‌کند (کراکر و ولف، ۲۰۰۱؛ کسر، ۲۰۱۷؛ راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی-۵^۱، ۲۰۱۳)، کاهش مهربانی، دلسوزی و شفقت نسبت به خود در مواجهه با محدودیت‌ها، نقص‌ها و شکست‌ها، منزوی و تنها دیدن خود در این محدودیت‌ها و شکست‌ها و غرق شدن در نشخوار ذهنی نسبت به آنها که بخصوص در رفتارهای افسرده‌وار و اختلال افسردگی عمده با خودانتقادی و احساس بی‌ارزشی نمایان می‌شود (کارور و گانلن، ۱۹۸۳؛ نف، ۲۰۰۳؛ کراکر و ولف، ۲۰۰۱) و کاهش سلامت و بهزیستی روان‌شناختی و پیگیری سبک زندگی بی‌اصالت را به همراه دارند (کسر، ۲۰۰۲).

یافته‌های این مطالعه نیز نشان داد که افزایش ارزش‌گذاری و اهمیت قائل شدن و افزایش احتمال دستیابی به آرزوهای بیرونی (ثروت، شهرت، همنوایی و زیبایی) و خود جسمانی (لذت‌گرایی جنسی و جسمانی، حفظ امنیت جسمانی و روانی و حفظ سلامتی و دور بودن از بیماری‌ها) با افزایش اضطراب مرگ همراه است و یا به طور عکس، زمانی که اضطراب مرگ در افراد برجسته می‌شود، مادی‌گرایی و لذت‌گرایی در آنها افزایش می‌یابد. رابطه‌ای دوسویه که هم در مفهوم‌پردازی روان‌شناسان انسان‌گرا و وجودی دیده می‌شود و هم مطالعات انجام شده در نظریات خودمختاری و مدیریت وحشت آن را تأیید کرده‌اند. برای مثال، کسر و کسر (۲۰۱۷) با هدف بررسی رابطه میان نایمینی در خصوص نیازهای جسمانی (بقاء) و روانی (ارتباط، شایستگی و خودپیروی) و گرایش به مادی‌گرایی به عنوان دفاعی جهت تسکین آن، دانشجویان دوره کارشناسی که نمرات مادی‌گرایی بر نمایه آرزو آنها را در مقایسه با همسالان‌شان جزو ۱۰ درصد بالا یا پایین قرار داده بود را مورد بررسی قرار دادند. سپس از آنها خواستند که دو مورد از معنادارترین، به یاد ماندنی‌ترین و قوی‌ترین رویاهای‌شان را که در زندگی‌شان به یاد دارند بیان کنند.

¹ Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders-5 (DSM-5)

آنها سه تفاوت را در رویاهای افراد با مادی‌گرایی زیاد و کم یافتند که یکی از این تفاوت‌ها در خصوص مرگ بود. مرگ در رویاهای افراد به شدت مادی‌گرا نقش بیشتری را بازی می‌کرد. این موضوع در خود رویا یا در تداعی‌های رویا در ۲۰/۵ درصد رویاهای افراد مادی‌گرا در مقایسه با تنها ۳ درصد از رویاهای افراد کمتر مادی اشاره شده بود. برای مثال، در رویاهای دو فرد به شدت مادی‌گرا افرادی ظاهر شده بودند که در زندگی در عالم بیداری مرده بودند و فرد دیگری این رویا را دیده بود که «زنی همچون شیخ که لباس سیاهی پوشیده بود ... از صلیب {یک کلیسا} حلق‌آویز شده بود و مرا صدا می‌زد». برای سایر افرادی که به شدت اهداف مادی را ارزش‌گذاری کرده بودند، مرگ حتی زمانی که به طور آشکار در رویا ظاهر نشده بود به صورت یک تداعی مهم اشاره شده بود. دومین تفاوت نیز مرتبط با نایمینی بود. ۱۵ درصد از رویاهای افراد در گروه به شدت مادی‌گرا در مقایسه با ۳ درصد از رویاهای افراد در گروه کمتر مادی‌گرا سقوط^۱ را در بر داشت. سقوط تقریباً به طور همگانی توسط نظریه‌پردازان به عنوان تظاهر نایمینی (وندی‌کستل^۲، ۲۰۱۳)، از کنترل خارج شدن فرد، پس‌رفت کردن و نداشتن چیزی برای حفظ کردن تأویل شده است. دو فرد از گروه به شدت مادی‌گرا، سقوط درون آتش، نفر سوم سقوط از سقف انبار غله و چهارمین نفر نگرانی در خصوص سقوط از جرثقیل را گزارش کرده بودند.

در مطالعه دیگری نیز کسر و شلدون (۲۰۱۷) به طور تصادفی دانشجویان را به دو گروه «برجستگی مرگ» و کنترل تقسیم کردند. در شرایط برجستگی مرگ، شرکت‌کنندگان تکلیف فراخوانی افکار مرگ را کامل کردند و در واقع مقاله‌ای کوتاه را در پاسخ به دو جمله نوشتند: «احساساتی که فکر کردن درباره مرگ‌تان در شما بر می‌انگیزاند را توصیف کنید» و «وقتی که در حال مردن هستید یا زمانی که مرید فکر می‌کنید چه اتفاقاتی برای بدن‌تان رخ می‌دهد». شرکت‌کنندگان در گروه کنترل به سوالات موازی در خصوص گوش دادن به موسیقی پاسخ دادند. در مطالعه اول از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا به پانزده سال آتی فکر کنند و به دلار آنروز انتظارات‌شان را در خصوص ۹ جنبه موقعیت مالی‌شان گزارش دهند: بر اساس این ۹ ارزیابی محققان سه دسته انتظارات را محاسبه کردند: ارزش مالی کلی^۳ (انتظارات افراد در خصوص حقوق‌شان، همسرشان، ارزش خانه‌شان، ارزش سرمایه‌گذاری‌های‌شان و مقدار پولی که برای سفر خرج خواهند کرد)؛ هزینه‌های خوشی^۴ (انتظارات در خصوص مقدار پولی که برای پوشاک، تفریح و فعالیت‌های اوقات فراغت صرف می‌کنند) و ارزش دارایی‌ها^۵ (ارزش مورد انتظار وسایل نقلیه و دارایی‌های خانه‌شان).

¹ falling

² Van de Castle

³ overall financial worth

⁴ pleasure spending

⁵ value of possessions

افرادی که درباره مرگ نوشتند در مقایسه با آن‌هایی که در خصوص گوش دادن به موسیقی نوشتند، ارزش مالی کلی مورد انتظار بالاتر در پانزده سال آتی را گزارش کردند. همین مورد برای مقدار پولی که انتظار داشتند برای اوقات خوشی صرف کنند صادق بود. برای مثال، شرکت‌کنندگانی که در خصوص مرگ نوشته بودند بیان کردند که به طور متوسط ۸۱۳ دلار هر ماه برای تفریح، اوقات فراغت و پوشاک خرج می‌کنند در حالیکه آن‌هایی که در خصوص موسیقی نوشته بودند انتظار داشتند که به طور متوسط ۴۱۰ دلار خرج کنند. محققان در مطالعه دوم مادی‌گرایی را در روشی تا حدی متفاوت اندازه‌گیری کردند. بعد از پاسخگویی به سوالات مقاله‌ای مرتبط با مرگ یا موسیقی، گروه جدیدی از دانشجویان بازی «مدیریت جنگل»^۱ را انجام دادند. تصور کردند که مالک شرکتی هستند که در مقابل سه شرکت دیگر برای برداشت چوب در جنگلی ملی مناقصه می‌کند. به آن‌ها یادآوری شد که شرکت‌شان برای بقاء نیاز به سود دارد اما قطع هر ساله میزان زیادی از درختان ممکن است جنگل را نابود کند. سپس شرکت‌کنندگان به سه سوال پاسخ دادند. نخست محققان با پرسیدن اینکه افراد دوست دارند از سایر شرکت‌ها چقدر بیشتر سود کنند ارزیابی کردند که آیا طمع آن‌ها را برانگیخته است. دوم با پرسیدن اینکه چقدر نگرانند که شرکت‌های دیگر درختان زیادی را در هر سال قطع کنند ارزیابی کردند که آیا انگیزه اصلی‌شان ترس بود. در نهایت تمایل شرکت‌کنندگان برای مصرف منابع را با پرسیدن اینکه چقدر از ۱۰۰ هکتار جنگل در دسترس را برای برداشت چوب پیشنهاد خواهند داد ارزیابی کردند. یافته دیگر این مطالعه، رابطه منفی شفقت خود با اضطراب مرگ است. مطابق با نظریه مدیریت وحشت، ترس از مرگ هوشیار و ناهوشیار (که در این مطالعه بواسطه پاسخ‌گویی به ماده‌های مقیاس اضطراب مرگ تمپلر - احتمالاً به سطح هوشیار ذهن آمده بود - در برخی مطالعات نظریه مدیریت وحشت نیز پاسخ‌گویی به ماده‌های مقیاس اضطراب مرگ تمپلر جهت هوشیار کردن اضطراب مرگ استفاده شده است)، فرد را برای مقابله بنیادی‌تر و با دوام‌تر به انجام مکانیزم‌های دفاعی دور^۲ از قبیل پی‌گیری و طرفداری از ارزش‌های دینی و قومی (جهان‌بینی فرهنگی)^۳، مادی‌گرایی و مصرف‌گرایی^۴ و تلاش برای حفظ و افزایش حرمت خود وامی‌دارد. از این رو، مطابق با نظریه مدیریت وحشت، به عنوان سپری در برابر اضطراب ناشی از آگاهی از مرگ، در جهت کاهش ترس از مرگ در انسان‌ها و فراهم کردن فرصتی برای پی‌گیری اهداف شخصی در زندگی عمل می‌کند (هارمن-جونز، سیمن، گرینبرگ، پیزینسکی، سولومن و مک‌گرگور، ۱۹۹۷؛ پیزینسکی، گرینبرگ و سولومن، ۱۹۹۹؛ کسر و شلدون، ۲۰۱۷). به نظر می‌رسد که در این مطالعه نیز نیاز به شایستگی (احساس سودمندی و باارزش بودن)

¹ Forest-management

² Distal

³ Cultural worldview

⁴ Materialism and consumerism

-که مطابق با نظر کسر (۲۰۱۷) هر دو بیانگر یک نیاز ذاتی روانی در انسان هستند- به عنوان سپری دفاعی در برابر اضطراب مرگ عمل کردند و یا شاید به طور عکس، مطابق با مفهوم «روان‌نژندی موفقیت»^۱ افزایش احساس شایستگی و ارزشمند بودن (حرمت خود) به دلیل افزایش حس آسیب‌ناپذیری در فرد، او را در شرایطی قرار می‌دهد که از دیگران برتر بوده، فراتر رفته و در ورطه‌ی تنهایی قرار گیرد -همچنان که بنابر نظر کراکر و ولف (۲۰۱۱) و کسر (۲۰۱۷) انسان‌ها برای افزایش حرمت خودشان به صورت رقیب و دشمن یکدیگر در می‌آیند و برتر بودن از دیگران با افزایش بیشتر حرمت خود همراه است البته به بهای نابودی روابط صمیمانه و متعهدانه- و از این‌رو، مکانیسم دفاعی دیگر، یعنی، بودن در حمایت دیگران و داشتن روابط بین‌فردی را از دست دهد و از این‌رو، دغدغه‌های وجودی همچون احساس تنهایی، مسئول اعمال خود بودن (ترس از آزادی) و بخصوص بی‌حامی و دفاع بودن در معرض مرگ و فناپذیری در وی افزایش یابد (یالوم، ۱۳۹۳).

با توجه به موارد ذکر شده، دور از ذهن نیست که افراد با شفقت خود بالاتر در مواجهه با افکار مرتبط با فناپذیری و پذیرش این جبر و محدودیت (مرگ) با خود به مهربانی و مدارا رفتار کنند، خود را همانند دیگران دانسته و با آنها در تجربه‌ای مشترک دیده (احساس اشتراکات انسانی) و به جای نشخوار ذهنی و غرق شدن در این افکار با ذهن آگاهی و بهوشی بیشتری به این پدیده بنگرند و در نتیجه اضطراب مرگ کمتری را نشان دهند و یا به طور عکس، توجه به مرگ و افزایش اضطراب مرگ سبب افزایش دلسوزی و شفقت در انسان‌ها نسبت خود شود و یا ممکن است هر دو این موارد به صورت توأمان عمل کرده و شفقت خود بالاتر تجربه کمتر اضطراب مرگ و در عین حال، یاد مرگ و اضطراب ناشی از آن به شفقت بیشتر نسبت به خود منجر شود کماینکه این دیالوگ مرگ و مهربانی نسبت به خویش توسط نظریه‌پردازان وجودی نیز مطرح شده است (یالوم، ۱۳۹۳). استفاده از طرح همبستگی که قادر به بررسی رابطه علت و معلولی متغیرهای مورد بررسی نیست، به کار بردن ابزارهای خودگزارشی که از معایب این نوع مقیاس‌ها، ارائه جامعه‌پسندانه افراد از خود، خودنمایی، اغراق یا کوچک‌نمایی مشارکت‌کنندگان در پاسخ به عبارات مقیاس‌ها و ناهوشیاری به برخی نگرش‌ها و ارزیابی‌های شخصی و در نتیجه سوگیری در بیان آن‌ها می‌باشد و نمونه‌گیری در دسترس که فرصت انتخاب برابر را از افراد جامعه گرفته و از این‌رو، قدرت تعمیم‌دهی نتایج را کاهش می‌دهد، از جمله محدودیت‌های موجود در پژوهش حاضر است. جدای از اصلاح محدودیت‌های ذکر شده در پژوهش حاضر، بررسی سازه‌های دیگر وجودی از قبیل احساس

¹ Success neurosis

تنهایی، پوچی و ترس از آزادی و دفاع‌های مقابله‌کننده با آنها در جامعه ایرانی و بررسی روان‌شناختی ماتریالیسم‌گرایی در ایران نسبت به جوامع غربی می‌تواند به روشن‌تر شدن وضعیت روانی جامعه ایرانی در برخورد با دغدغه‌های وجودی کمک کند.

منابع

- راجرز، کارل (۱۳۸۶). راه انسان شدن. ترجمه قاسم قاضی. تهران: انتشارات جیحون.
- فروم، اریک (۱۳۹۳). هنر عشق ورزیدن. ترجمه پوری سلطانی، تهران: انتشارات مروارید.
- می، رولو (۱۳۹۳). عشق و اراده. ترجمه سپیده حبیب. تهران: انتشارات دانژه.
- یالوم، اروین (۱۳۹۳). روان‌درمانی اگزیزستانسیال. ترجمه سپیده حبیب، تهران: نشر نی.
- Brook. (2017) The need to belong: Desire for interpersonal attachments as a fundamental human motivation. *Psychological Bulletin*, 117, 497-529.
- Carver, C. S., & Baird, E. (1998). The American dream revisited: Is it what you want or why you want it that matters? *Psychological Science*, 9, 289-292.
- Carver, C. S., & Ganellen, R. J. (1983). Depression and components of self-punitiveness: High standards, self-criticism, and overgeneralization. *Journal of Abnormal Psychology*, 92, 330-337.
- Greenberg, J., Pyszczynski, T. & Solomon, S. (2016). The causes and consequences of a need for self-esteem: A terror management theory. In Baumeister, R.F. Public self and private self, 189-212.
- Harmon-Jones, E., Simon, L., Greenberg, J., Pyszczynski, T., Solomon, S., & McGregor, H. (2017). Terror management theory and self-esteem: Evidence that increased self-esteem reduces MS effects. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72, 24-36.
- Kasser, T. (2017). Aspirations and well-being in a prison setting. *Journal of applied social psychology*, 26, 1367-1377.
- Kasser, T., & Sheldon, K. M. (2017). Of wealth and death: Materialism, mortality salience, and consumption behavior. *Psychological Science*, 11, 352° 355.
- Kasser, T., Ryan, R. M., Zax, M., & Sameroff, A. J. (2016). The relations of maternal and social environments to late adolescents' materialistic and prosocial values. *Developmental Psychology*, 31, 907-914.
- McHoskey, J. W. (2017). Machiavellism, intrinsic versus extrinsic goals, and social interest: A self-determination theory analysis. *Motivation and Emotion*, 23, 267-283.

- Ryan, R. M. (1982). Control and information in the intrapersonal sphere: An extension of cognitive evaluation theory. *Journal of Personality and Social Psychology*, 43, 450-461.
- Ryan, R. M. (1995). Psychological needs and the facilitation of integrative processes. *Journal of Personality*, 63, 397-427.
- Ryan, R. M., & Brown, K. W. (2003). Why we don't need self-esteem: On fundamental needs, contingent love, and mindfulness. *Psychological Inquiry*, 14, 71-76.
- Ryan, R. M., & Connell, J. P. (1989). Perceived locus of causality and internalization: Examining reasons for acting in two domains. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 749-761.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American Psychologist*, 55, 68-78.
- Ryan, R. M., Chirkov, V. I., Little, T. D., Sheldon, K. M., Timoshina, E., & Deci, E. L. (1999). The American dream in Russia: Extrinsic aspirations and well-being in two cultures. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 25, 1509-1524.
- Ryan, R. M., Mims, V., Koestner, R. (1983). Relation of reward contingency and interpersonal context to intrinsic motivation: A review and test using cognitive evaluation theory. In: *Journal of Personality and Social Psychology*, 45, 736-750.
- Ryan, R. M., Plant, R. W., & O'Malley, S. (1995). Initial motivations for alcohol treatment: Relations with patient characteristics, treatment involvement and dropout. *Addictive Behaviors*, 20, 279-297.
- Ryan, R. M., Rigby, S., & King, K. (1993). Two types of religious internalization and their relations to religious orientations and mental health. *Journal of Personality and Social Psychology*, 65, 586-596.
- Ryan, R. M., Sheldon, K. M., Kasser, T., & Deci, E. L. (1996). All goals are not created equal: An organismic perspective on the nature of goals and their regulation. In P. M. Gollwitzer & J. A. Bargh (Eds.), *the psychology of action: Linking cognition and motivation to behavior*, 7-26.
- Ryan, R. M., Stiller, J., & Lynch, J. H. (1994). Representations of relationships to teachers, parents, and friends as predictors of academic motivation and self-esteem. *Journal of Early Adolescence*, 14, 226-24.

Abstract

The purpose of this study was to investigate the role of desires, fundamental psychological needs, self-understanding of consistency, self-compassion in predicting death anxiety. The method of this research is descriptive and correlational. The study population consisted of all undergraduate students in the Lahidjan Islamic Azad University, Lahijan, in the academic year of 1995-96, of whom 160 (116 women, 33 men and 8 unspecified) with a mean age of 24.17 and standard deviation of 41 / 6 were selected using available sampling method. And the questionnaire of the scale of basic psychological needs (Lagardia, Ryan, Kuchman and Dese, 2000), the profile of Arzu (Trust, Fasser, Ahwiah, Dawls, Kim et al. 2005), Coherence Self-Assessment Scale (Gorbani, Watson & Harges, 2008) , Self-Short Form Compassion Scale, Templer's Death Anxiety Scale. The results showed that the death anxiety with the importance and the likelihood of achieving external aspirations (reputation, consistency, beauty, wealth) and self-efficacy (pleasure, health and freedom from disease and security), need to have a positive correlation and Self-compassion has a negative correlation. The results of regression analysis showed that the variables of self-actualization were 13% of variance in death anxiety scores.

Key words: dreams, basic psychological needs, self-awareness of consistency, self-compassion, death anxiety.

